

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

تربیت کودک در سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها)

ابوالقاسم رشید پور^۱

سیما جمشیدی فر^۲

چکیده

تربیت یکی از مهمترین اولویت‌های نهاد خانواده است، که به نوعی برای پدر و مادر دغدغه محسوب می‌شود تا بذز زندگیشان را به بهترین نحو به گلستان جامعه تحویل دهند، لذا برای طی نمودن این مسیر نیازمند پیروی از الگوهای تربیتی ارزشمندی می‌باشند، که همه جانبه و دربرگیرنده همه ی ارزشها باشد به تبع بهترین الگو به فرموده قرآن کریم، رسول خدا «ص» و اهل بیت ایشان هستند از آنجا که مادر خانواده در تربیت فرزندان سهم بسزایی دارد، بهترین الگوی برایش مراجعه به سیره حضرت زهرا «س» است که از این طریق مادر به شیوه های تربیتی متناسب با مهر و محبت مادرانه، پرورش عبادی و کرامت نهادن به فرزند، رشد اخلاقی و معنوی، و رشد جسمانی و... دست پیدا می‌کند.

در این مقاله که به روش توصیفی _ تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه ای می‌باشد درصدد هستیم تا رشد و تربیت را در ادوار مختلف زندگی برای تربیت فرزند در سیره حضرت زهرا «س» پی بگیریم.

کلیدواژه ها: تربیت، سیره، الگو

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد اهواز

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی گرایش مثبت گرا دانشگاه پیام نور

مقدمه

در معنای تربیت میدانیم که مربی با برنامه‌ای از پیش طرح شده و برای تاثیر و متری در جهت رشد و پرورش استعدادهاى او به سمت تربیت صحیح پیش می‌رود بنابراین تعریف تربیت هرگونه رفتاری که با هدف اثرگذاری مربی و با نتیجه اثرپذیری متنبی صورت می‌گیرد را شامل می‌شود. و برای و دایره گسترده‌گی تربیت بسیار وسیع و حساس می‌شود و اهمیت آن دوچندان. برای دستیابی به بهترین و روش تربیت صحیح باید روش را بر گوشت روشی را برگزید

که هماهنگ با قوانین حاکم بر خلقت و هدف آفرینش، و همچنین با توجه به طبیعت انسانها و نیازهای مادی و معنوی آنها شکل گرفته باشد با توجه به فطرت توحیدی انسانها به یقین این روش تربیت باید برگرفته از کلام وحی باشد. و چه الگو و روشی غنیر و ارزشمندتر از روش و شیوه تربیتی حضرت زهرا سلام الله علیها که هم مطابق با فطرت انسانهاست و هم برگرفته از کلام وحی و هم نتیجه آن در نسل و ذریه نتیجه آن درز امامان از نسل آن حضرت دیده می‌شود. در رابطه با شیوه‌های تربیتی معصومان علیهم السلام تحقیق و بررسیهایی در همه زمینه‌ها و همچنین در زمینه تربیت کودک صورت گرفته است.

از آنجایی که شخصیت اصلی جامعه به تربیت ابتدایی یعنی همان تربیت در محیط خانواده برمی‌گردد و با توجه به نیاز جامعه امروزی به الگو برداری از روشهای صحیح تربیتی برای تربیت نسل جوان مؤمن و کارآمد و تربیت جوانان به عنوان مسئولین حال و آینده جامعه برای رسیدن به تمدن اسلامی و اثر مادر و خانواده بر این امر ضرورت دانستیم که به شیوه‌های تربیت کودک حضرت زهرا سلام الله علیها بپردازیم. و هدف معرفی بهترین الگوی تربیتی برای جامعه زنان است. امید است مورد رضایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی

در زبان عربی از ماده «سیر» است. «سیر» یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. و سیره یعنی نوع راه رفتن.

تربیت به معنای پروردن و پروریدن آمده است.

به معنای: مدل، سرمشق، اسوه، مثال و نمونه آمده است.

تربیت

تربیت، «مجموعه اعمالی که یک فرد به عمد، به منظور اثرگذاری بر شناختها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسانهای دیگر، بر اساس برنامه ای سنجیده، انجام میدهد».

تعریف تربیت دینی: عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند.

براساس این تعریف تربیت دینی منحصر به مسجد، کلیسا یا مدرسه علمیه نیست، بلکه در هر جایی ممکن است تلاشی هدفدار به منظور آموزش معارف دینی صورت گیرد، خواه مسجد باشد یا خیابان یا منزل یا هر جای دیگر، این تعریف دینی در همه ادیان صادق است.

ضرورت تربیت

تربیت از بنیادیترین موضوع علوم انسانی و با بسیاری از رشته‌های دیگر همچون علوم اجتماعی، سیاسی و روانشناسی ارتباط تنگاتنگ دارد و اساس موضوعاتی همچون اخلاق، خودسازی و جامعه‌سازی را تشکیل می‌دهد، گستره تاثیرگذاری تربیت دربرگیرنده مفاهیمی همچون سعادت فرد و جامعه، تکامل انسانها پیشرفت یا عقب ماندگی جوامع و سلامت جسم و روح می باشد بنابراین اگر در اولین قانون تربیت که خانواده است والدین مباحث تربیتی را بشناسند و هدف از آن را به خوبی بدانند، میتوانند با بکار گرفتن روشهای صحیح فرزندان خود را بسوی کمال سوق دهند و جامعه را از سعادت حضور آنان بهره‌مند سازند.

مطابق با آموزه‌های دینی، هدف اساسی پیامبران الهی تحقق این آرمان ارزنده الهی برای جامعه است؛

(هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم يتلوا عليهم آیاته و یزکیهم الکتاب و الحکمه)

و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها میخواند و آنها را تزکیه میکند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد.

انسان برای سیر تکاملی خود و فرزندانش مستلزم برخورداری از یک روش تربیتی کامل است بر همین اساس ضروری است که والدین در کنار هم و همگام توجه به سلامت جسم فرزندان خود، در تربیت روح و روان آنها نیز بکوشند امام مجتبی علیهاالسلام در مورد ضرورت تربیت روحی فرزندان میفرماید:

« تعجب میکنم از کسی که به غذای جسم خویش می‌اندیشد اما به غذای روح خود نمی‌اندیشد، در نتیجه اندرون خویش را از غذاهای زیانبخش در امان نگاه میدارد اما جان خویش را در معرض ناپاکیها قرار میدهد.

پس همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله سرلوحه کار خود را تربیت جامعه پیرامون خود قرار داده‌اند شایسته است که والدین نیز در جامعه پیرامون خود که همان خانواده است مسائل تربیتی را جدی بگیرند و به آن اهتمام ورزند چراکه در قرآن جایگاه و منزلت رفیع فرزندان مورد تأکید قرار گرفته و از آنان به عنوان نور چشمان والدین یاد شده است.

زمان تربیت

نکته بسیار مهمی که امام علی علیه السلام به آن اشاره نموده است زمان تربیت فرزند است زمان شروع تربیت آنچه که از روایات بدست می آید این است که در تربیت فرزند عوامل بسیاری دخیل می باشند و وسعت این عوامل به قدری وسیع می باشد که به قبل از ازدواج و در مرحله انتخاب همسر نیز سرایت می کند به همین علت است که امام علی علیه السلام پس از وفات مظلومانه بانوی آفتاب حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها به این نکته توجه می کنند.

تربیت همه جانبه

در روند تربیت فرزند باید جامعه ان اطراف بود و تمام مسائل را در نظر گرفت و اینکه عده ای تنها مسائل صرف مذهبی را در نظر میگیرند و از مسائل روز اجتماعی غافل میمانند روش صحیح را دنبال نمیکنند وارد شدن فرد به اجتماع امری است اجتنابناپذیر و آگاه نمودن فرزند از خطراتی که جامعه میتواند برایش داشته باشد حیاتی است آموزش آموزه های دینی و در کنار آن پرداختن به مباحث مختلف اجتماعی ضامن بقاء روحی فرد می باشد و با همین دیدگاه امام علی علیه السلام نامه خود را اینگونه ادامه می دهند:

(پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات به تو بیاموزم، و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم اما از آن ترسیدم که مبادا رای و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد و کار را بر آنان شهناک ساخت و به تو نیز هجوم آورد اما آگاه شدن و استوار ماندنت را ترجیح دادم تا تسلیم هلاکت های اجتماعی نگردی و امیدوارم خداوند تو را در رستگاری پیروز گرداند ... و به راه راست هدایت فرماید)

وظایف والدین

در ادامه نکات تربیتی نامه ۳۱ امام علی علیه السلام به وظایف والدین در این زمینه نیز اشاره میکنند و درواقع یک مسئولیت را متوجه والدین مینمایند که آن مطالعه تاریخ است بدین معنا که عبرت گرفتن از تاریخ گذشته و مطالعه آن را تنها به دوش فرزند خویش نمیگذارد و خود نیز آنچنان در این زمینه به کوشش میپردازد که گویا یکی از آنان شده است و یکی از اهداف خود را از این کاوش و تجزیه و تحلیل تاریخ انتخاب امور ارزشمند و سودمند برای توصیه به فرزند خویش و همچنین بکار گرفتن آنچه که نیکوست در تربیتش قلمداد مینماید.

ابعاد تربیتی

تربیت فرزندان ابعاد گوناگونی دارد، از جمله ابعاد جسمانی، روحی و عاطفی، عقلانی، دینی و اخلاقی، و سیاسی و اجتماعی. هدف و شیوه تربیت فرزندان در هر بخش، با توجه به مبانی مکاتب و نگرش آنها به خدا و جهان و انسان و محیط اجتماعی، متفاوت است.

در تربیت اسلامی - که در سیره معصومان علیهم السلام و از جمله حضرت زهرا سلام الله علیها بازتاب یافته - هدف نهایی از آفرینش انسان، بندگی خدا و رهایی از غیر خداست. از این رو، در نگاه دینی، فرزندان امانت های الهی نزد والدین هستند و پدر و مادر و کل جامعه در حفظ و رشد همه جانبه آنان در مسیر توحیدی مسئولند.

۱- تربیت جسمانی

در نگاه دینی، انسان از دو بعد مادی و غیرمادی تشکیل شده که تربیت هر دو الزامی است. گرچه حقیقت انسان به روح اوستولی این روح از نظر وجودی متأخر از جسم است و در این دنیا وابسته به آن است و بدون آن نمی تواند رشد و تکامل یابد. معصومان علیهم السلام، از جمله حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، نیز در پرورش جسم فرزندان خویش و سلامت و بهداشت و تغذیه آنان، از هیچ کوششی دریغ نمی ورزیدند. حضرت فاطمه سلام الله علیها، با وجود سختی های فراوان در انجام دادن کارهای خانه، خود فرزندانش را شیر می داد، در بسیاری مواقع غذا نمی خورد و گرسنه می ماند تا فرزندانش و شوهرش غذا بخورند و گاهی به پیامبر متوسل می شد و فرزندانش را نزد ایشان می فرستاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز، که خود چیزی نداشت، از خدا مانده آسمانی طلب می کرد.

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای شفای فرزندان، علاوه بر بهره گیری از اسباب مادی به عوامل معنوی نیز توسل می جست. بر اساس گزارش های تاریخی، حضرت فاطمه سلام الله علیها و علی علیه السلام و کنیزانشان، فضا، برای بهبود حسنین علیهما السلام نذر کردند که روزه بگیرند. حضرت زهرا سلام الله علیها گاهی دست فرزند بیمارش را می گرفت و نزد پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله می برد تا از خدا بخواهد فرزندش را شفا دهد. حضرت زهرا سلام الله علیها، با آنکه خود می توانست دعا کند، فرزندان را نزد پیامبر صلی الله علیه و اله می برد تا درس احترام به بزرگان و اولیای الهی و نقش آنان را در زندگی انسان، به دیگر انسانها بیاموزد. (۲۲۴-۲۲۲)

توجه به نیازهای مادی

انجام امور روزمره فرزندان و توجه به برآورده کردن نیازهای آنان برای حضرت زهرا(س)، از اولویت های زندگی محسوب می شد و هرگاه بین رسیدگی به فرزندان و کارهای دیگر مخیر بودند، همراهی با فرزندان را بر می گزیدند. در روایتی آمده است:

«أَنْ سَلِمَانَ قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ جَالِسَةً قدامها رَحَى تَطْحَنُ بِهَا الشَّعِيرَةَ وَ عَلِيٌّ عَمَّ وَ دَارِ حِي دَم سَائِلٌ وَ أَلْحَ سَيْنَ فِي نَاحِيَةِ الْدَارِ يَبْكِي... قَالَ سَلِمَانُ إِنِّي مَوْلَى عَتَاقَةٍ إِمَّا أَنْ أَطْحَنَ الشَّعِيرَةَ أَوْ أُسَكِّتَ لَكَ أَلْحَ سَيْنَ نَقَالَتْ أَنَا بَسْكِيَّتِهِ أَرْفَقَ وَأَنْتِ تَطْحَنُ الشَّعِيرَةَ

سلمان فارسی می گوید: فاطمه(س) نشسته بود. دستاسی در مقابلش قرار داشت که با آن جو آسیاب می کرد. از دسته آن دستاس، خون جاری بود و حسین(ع) در یک گوشه خانه می گریست. سلمان گفت: من بنده آزاد شده ای هستم. اجازه بده یا

جو آسیاب کنم و یا حسین (ع) را برای شما ساکت نمایم. فاطمه (س) فرمود: من برای ساکت کردن بچه بهتر هستم و تو جو را آسیاب کن».

این کلام آن حضرت نگاه دقیق و تخصصی ایشان را بیان می کند که کودک نیاز به توجه و مراقبت مستقیم مادر دارد و این گونه نیست که هرکسی صلاحیت این کار را داشته باشد. در واقع مراقبت از کودک تنها به معنای رفع نیازهای مادی او نیست تا هرکس از عهده آن بر بیاید، بلکه علاوه بر مهارت، عاطفه و رابطه مادری را نیاز دارد تا بداند در هر حالتی چگونه باید نیاز کودک تأمین شود. شاید بتوان گفت در برخی موارد پدر هم نمی تواند آن گونه که شایسته است از کودک نگهداری کند، زیرا حس مادری و رابطه روحی بین کودک و مادر و دقت نظر در تأمین نیازهای کودک، از نکاتی است که به صورت انحصاری در اختیار مادر است، از این رو توجه مستقیم مادر به کودک، به این معنا که شخصا به رفع حوائج و تعامل با او بپردازد، از مهمترین امور مادی و البته معنوی کودک است. در ادامه به دو نمونه از نیازهای مادی کودک اشاره می شود

۲- تربیت روحی و عاطفی

به نظر اندیشمندان علوم تربیتی، نیازهای روحی و روانی از نیازهای مادی مهم تر است. یکی از این نیازهای روانی، نیاز به محبت است که در همه سنین وجود دارد، اما در کودکان از بزرگسالان شدیدتر است. تأمین این نیاز در کودکان موجب آرامش روانی آنان، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و دیگر انسانها، یادگیری شیوه محبت به دیگران و حتی سلامت جسمی آنان می شود و تأمین نشدن آن در کودکان، علاوه بر برخی مشکلات جسمی، سبب بیماریهای روحی و روانی بسیار می گردد و حتی به انحرافات اجتماعی می انجامد. یکی از نکات مهم این است که محبت وقتی مؤثر و مفید خواهد بود که ابراز گردد و کودک از محبت به خود آگاه شود، و گرنه اصل محبت داشتن، فقط برای محبت کننده مفید است. تأمین این نیاز کودکان، بیشتر بر عهده والدین (به ویژه مادر) و اهل خانواده است. در منبع تاریخی و روایی، از اهل بیت علیهم السلام درباره ابراز محبت و شیوه های آن مطالب فراوانی گزارش شده است. بنابر برخی از آنها، محبت به کودکان، عبادت و بهترین اعمال است. در سیره تربیتی حضرت زهرا سلام الله علیها نیز توجه کامل به این نیاز فرزندان دیده می شود. ایشان می کوشید مهر مادری را از فرزندانش دریغ نرزد و به رغم سختیها، امور آنان را به دیگری واگذار نکند. بر اساس گزارشهای تاریخی، وقتی بلال حضرت فاطمه سلام الله علیها را دید که مشغول آسیاب کردن است و فرزندش گریه می کند، از ایشان پرسید:

«دوست داری فرزندت را نگه دارم یا آسیاب کنم؟» حضرت سلام الله علیها پاسخ داد: «من به فرزندم مهربان ترم».

یکی از روشهای ابراز محبت - که در تأمین امنیت روانی کودکان، علاوه بر اجتماعی کردنشان، تاثیر فراوانی دارد - اجازه بازی دادن به کودکان و بازی کردن با آنان است.

۳- تربیت دینی و اخلاقی

تربیت دینی و معنوی کودکان به مراتب مهم تر از دیگر جنبه های تربیت است، چرا که از منظر مکاتب الهی و آسمانی، اصالت در حیات انسانی از آن روح است و حرکت معنوی آن به سوی هدف نهاییش، یعنی عبودیت است. در تربیت فرزند نیز هدف اصلی همین است، چنان که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: « من از خداوند فرزندان زیبا و نیکو قامت نخواستم، بلکه خواستم فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا وقتی به آنان نگاه می کنم، مایه روشنی چشم من باشند». بخشی از تربیت دینی از طریق آموزش اعمال عبادی و تشویق به آن و اجرای برنامه های عبادی همراه با فرزندان انجام می شود. اهل بیت علیهم السلام به این روش بسیار توجه داشتند و روایات فراوانی از آنان درباره لزوم و آثار تعلیم و تشویق فرزندان، و حتی میزان و مراحل آموزش اعمال عبادی، با توجه به سن فرزندان، گزارش شده است. طبیعتاً در سیره فاطمی نیز تربیت دینی و تشویق فرزندان به کارهای عبادی، اهمیت ویژه ای داشت. بر اساس برخی گزارشهای تاریخی درباره شب قدر، فاطمه زهرا سلام الله علیها افزون بر آنکه خود به شب زنده داری در این شب، اهتمام ویژه داشت، با تمهداتی می کوشید فرزندان را نیز به احیاء در این شب ترغیب کند. از این رو، با آماده کردن آنان از روز قبل و نیز با کم کردن غذا، آنان در شب قدر بیدار نگه می داشت و می فرمود: محروم کسی است که از خیر چنین شبی باز مانده.

در تربیت فرزندان، بیش از تأکید ها و امرها و نهی های گفتاری، رفتار خود والدین الگوی عملی برای فرزندان است. فرزندان حضرت فاطمه سلام الله علیها، در کنار تأکیدهای آن حضرت سلام الله علیها بر عبادت، خود شاهد عبادت های طولانی مادرشان بودند که در آنها از سوئی با خدا ارتباط داشت و از سوی دیگر از یاد مردم غافل نبود و برای آنان دعا میکرد، آنکه برای خود دعایی بکند. این رفتار فاطمه سلام الله علیها پیام های مهمی برای فرزندان داشت: اهتمام به عبادت، و روحیه ایثار و توجه به دیگران و پرهیز از خود خواهی، حتی در مقام دعا. از دیگر موضوعاتی که حضرت زهرا سلام الله علیها به آن توجه داشت، آشنا کردن کودکان با اصول خدا محوری در همه کارها و توکل بود. بر اساس برخی روایات، در ایام عید یکی از سال ها، حسن و حسین علیهما السلام که می دیدن هم سالانشان لباس های نو پوشیده اند، از حضرت زهرا سلام الله علیها لباس عیدی خواستند. آن حضرت سلام الله علیها با آنکه می دانست پولی برای تهیه لباس نو ندارند، به فرزندان گفت: « اگر خدا بخواهد برای شما دوخته خواهد شد». ایشان وعده لباس عیدی را با ان شاء الله همراه کرد تا در صورت تحقق نیافتن، هم خلف وعده ای صورت نگیرد، و هم آنان را متوجه نقش پروردگار در زندگی انسان نماید.

پاداش تعلیم قرآن و احکام دین

بعضی گمان میکنند که تربیت فرزند را باید هر طور که نظر شخصی خودشان بود در پیش گیرند درحالیکه اینطور نیست بلکه دین برای تمام زوایای زندگی ما: یعنی زندگی به سبک اسلامی نظری دارد، فی المثل برای همین تربیت فرزندان که حتی برای آموزش دینی آنان اجر و پاداش قرار داده است و از آن جایی که دین اسلام دین کاملی از هیچ چیزی فروگذار نکرده است. رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرمود هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد روز قیامت پدر و مادر او را فرا میخوانند: و دو جامعه به آن دو میپوشانند که از نور آن چهره های بهشتیان روشن میشود.

همچنان که تربیت دینی فرزندان اجر و پاداش فراوان دارد ترک این آموزش نیز کیفر به دنبال دارد، کیفر ترک آموزش دینی فرزندان، پیامبر صلی الله علیه و اله به برخی از کودکان نگریست و فرمود: وای بر فرزندان آخرالزمان از ناحیه پدرانشان! پرسیده شد ای رسول خدا آیا از آن روز که پدرانشان مشرک اند؟ فرمود نه، بلکه از پدرانی که مؤمن اند به فرزندانشان چیزی از واجبات دینی نمی آموزند بلکه آنان را از آموختن منع می کنند و به سود اندکی از دنیا که فرزندانشان به ایشان میرسد رضایت میدهند و من از آنها بیزارم و آنان نیز از من بیزارند

اندرز نیکو و پند پذیری

زمانی می توان در تربیت فرزند موفق بود که کودک پندپذیر باشد در غیر این صورت هیچگاه اثری بر تلاش شبانه روزی والدین نسبت به تربیت فرزند مترتب نخواهد شد و زمانی می توان از پندپذیری فرزند مطمئن بود که نصایح و اندرزها بجا و شایسته باشد، امام علی علیه السلام به مناسبت این گفتار به امام حسن علیهما السلام میفرماید: (احی قلبک بالموعظه) دلت را با اندرز نیکو زنده کن.

۴- تربیت سیاسی و اجتماعی

یکی از مهم ترین جنبه های تربیتی فرزندان، تربیت در امور سیاسی و اجتماعی است، به گونه ای که پس از ورود به عرصه اجتماعی، با بینش صحیح، کارهای شایسته انجامی دهند. اهل بیت علیهم السلام به این جنبه از تربیت توجه داشته اند که نمونه بسیار عالی آن در رفتار حضرت فاطمه سلام الله علیها مشهود بود. آن حضرت سلام الله علیها در حالی که فرزندانش بیش از شش سال نداشتند ۱۱هنگام دفاع از ولایت، آنان را به همراه می برد و از این طریق آنان را با مسائل سیاسی و اجتماعی آشنا می ساخت. که نمونه هایی از آن در تاریخ گزارش شده است. با چنین تربیتی است که امام حسن علیه السلام هنگام جلوس ابوبکر بر منبر پیامبر صلی الله علیه و اله به عنوان خلیفه، به او خطاب کرد: «از منبر پدرم پایین بیا» و امام حسین علیه السلام نیز شبیه این سخن را به خلیفه دوم گفت.

مراحل تربیت دینی کودکان در اسلام

اسلام مراحل را برای تربیت دینی کودکان در سنین مختلف اشاره کرده است که به گزیده ای از آنها اشاره خواهیم کرد اصول تربیت در نه سال اول:

۱. تکیه به تربیت فردی کودک

۲. توجه به تغذیه صحیح طفل به ویژه شیردهی

۳. اشباع از محبت و صفا و صمیمیت

۴. تحریک و تشویق به اعمال خوب و عادات نیکو

۵. ستایش راه درست

۶. حفظ امنیت و سلامت

۷. پرهیز از نوازشهای افراطی

و همچنین برای رده های نوجوانی نیز اصول تربیتی مهمی دارند که به گزیده‌های از آنها اشاره میشود، اصول تربیت در سنین ۸ تا ۱۴ سال:

۱. تعیین حدود رابطه فرد با اجتماع

۲. انتقال آگاهیهای عمومی و پرورش عقلانی کودک

۳. آموزش اخلاق و ادب

۴. ایجاد زمینه رشد و ترقی

۵. اهتمام به رشد عاطفی

۶. آموختن مقررات و ضوابط و توجه دادن به مراعات حقوق فرد و جامعه

۷. ایجاد عادات اخلاق صحیح

۸. پایه گذاری مهارتها و فنون

۹. فراهم نمودن زمینه ترکیب عقل و احساس. (اصول فرزند داری صص ۲۷-۲۸)

سیره تربیتی حضرت زهرا سلام الله علیها:

وجود با برکت حضرت زهرا سلام الله علیها همانگونه که در ابعاد مختلف زندگی به سان مشکاتی نورانی هدایتگر دل‌های مشتاقان به سوی کمال و رستگاری است، برای معرفی بهترین شیوه‌های تربیتی از منظر دین و بیان شیوه تعلیم و تربیت فرزندان و اطرافیان و نحوه پاسخگویی و آموزش مسائل دینی و دیگر ابعاد تربیتی و همسر داری نیز همچون رسول خدا صلی الله علیه و اله الگوی بی بدیلی است.

خواهیم شد که هر اندازه علوم تربیتی پیشرفت کند، شخصیت والای کوثر ولایت و مادر امامت شناخته شده و انوار زهرای مرضیه سلام الله علیها بیشتر جلوه خواهد کرد و در این مسیر، نمونه‌های بارزتر از آن حضرت یافت نخواهد شد.

حضرت فاطمه سلام الله علیها در طول زندگی هجده ساله‌اش، همه عوامل و زمینه‌های تربیتی را در راه رسیدن به کمال تجربه کرده و خود نیز در این زمینه بهترین بهره را برده است. یکی از مهمترین ابزارهای تربیتی آن حضرت، ایجاد انگیزه

درونی و محبت و عشق به خوبیها و کمالات در افراد می باشد؛ محبتی که از درون خود او میجوشد و در رفتار و گفتارش به چشم میخورد. علاقه‌مندی حضرت نسبت به سعادت آفرینی برای دیگران فرد را تحت تاثیر قرار میدهد؛ منش حضرت به گونه‌ای است که هر مخاطبی را شیفته و دلدادۀ عظمت و جود خود کرده و از این طریق افراد را به سوی سعادت سوق می دهد؛ زیرا محبت و دلدادگی به خوبان، انسان را در رسیدن به کمال مطلق و سرچشمه رستگاری یاری میرساند؛ چراکه انسان بدون محبت هیچگاه به مقصد دلخواه نخواهد رسید امام باقر علیهما السلام فرمود: هل الدین الا الحب ؛ آیا دین غیر از محبت است؟ از اینرو، خداوند متعال مزد رسالت را فقط مودت و محبت نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها و اهلیت علیهما السلام قرار داده است: (قل لا اسئلكم علیه اجر الا الموده فی القربی) زیرا بدون محبت همه زحمات پیامبر صلی الله علیه و اله در هدایت جامعه و اصلاح امت به هدر خواهد رفت.

محبت در سیره این ذوات نورانی، در همه مراتبش به درطول محبت خداوند قرار دارد؛ یعنی همه محبت‌های آنها به عشق الهی ختم می شوند و بهمین دلیل، دوست داشتن اهلیت عصمت و طهارت علیهما السلام انسان را بسوی خدا سوق می دهد. امام صادق علیهما السلام فرمود: « اگر دوستیها و دشمنیها و بذل و بخشش کسی برای خدا باشد، او به بالاترین درجات ایمان رسیده و ایمانش کامل شده است». از این رهگذر، ابراز مهر و محبت، دل‌های مشتاق را صید، آتش کینهها و اختلافات را خاموش، افسردگیها را معالجه و سختترین شرایط زندگی را تحمل پذیر میسازد.

حضرت فاطمه سلام الله علیها افزون بر برخورداری از زمینها و عوامل رشد و تربیت، در آغوش موفقترین مربی دنیای بشریت؛ حضرت خاتمالانبیاء صلی الله علیه و اله پرورش یافته است. آن حضرت مهربانها و گذشتها و بردباری های مادر فداکار خویش را در سالهای نخستین و عمر خود شاهد بود و رفتارهای مهرآمیز پیامبر صلی الله علیه و اله را نیز نسبت به همسر و فرزندان به نظاره نشسته بود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله با بوسه زدن بر دستان حضرت فاطمه سلام الله علیها و ابراز محبت ویژه به او در پیش چشمان دیگران، بنیان مهر و وفا و روابط عاطفی و آئین مهرورزی را در منطقیهای که به غیر از خشونت و بربریت چیز دیگری حاکم نبود و زنده به گور نمودن دختران در آن سنتی دیرین بود، استوار ساخت و در این راستا خاندان رسالت را بهعنوان الگوی الهی معرفی فرمود.

حضرت زهرا سلام الله علیها در اوج بیمهریهای انسانهای جاهل به دخترانشان، بیشترین محبت را از پدر بزرگوارش احساس کرد و هم آن را در زندگی به دیگران بخشید. آن حضرت را "حانیه" نامیدند؛ یعنی بانویی که با شوهر و فرزندان بسیار مهربان و دلسوز بود و "حبیبه" گفتند؛ یعنی دوستدار و محبوب رسول خدا ص بود و "ام اییها" لقب گرفت؛ چراکه برای پدر گرامیاش نه فقط یک دختر بلکه چون مادر بود. حضرت زهرا سلام الله علیها با دیگران نیز مهربان و با محبت بود؛ زیرا باور داشت که: بشر فی وجه المؤمن یوجب لصاحبه الجنة ؛ خوشرویی مؤمن نتیجه‌اش بهشت است.

امروزه محققان علوم تربیتی میکوشند تا عوامل پیدا و پنهان ساختار شخصیت انسان و شاکله وجودی او را بررسی کنند و به همه زمینهها، عوامل و موانع تربیت دست یابند و در جهت پیشرفت علوم تربیتی آن را بکار گیرند. اگر از این زاویه به مراحل تکوین، رشد و بالندگی دوران زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها نگاهی داشته باشیم، متوجه

خواهیم شد که هر اندازه علوم تربیتی پیشرفت کند، شخصیت والای کوثر ولایت و مادر امامت شناخته شده و انوار زهرای مرضیه سلام الله علیها بیشتر جلوه خواهد کرد و در این مسیر، نمونههای بارزتر از آن حضرت یافت نخواهد شد.

حضرت فاطمه سلام الله علیها در طول زندگی هجده سالهاش، همه عوامل و زمینههای تربیتی را در راه رسیدن به کمال تجربه کرده و خود نیز در این زمینه بهترین بهره را برده است. یکی از مهمترین ابزارهای تربیتی آن حضرت، ایجاد انگیزه درونی و محبت و عشق به خوبیها و کمالات در افراد می باشد؛ محبتی که از درون خود او میجوشد و در رفتار و گفتارش به چشم میخورد. علاقه‌مندی حضرت نسبت به سعادت آفرینی برای دیگران فرد را تحت تاثیر قرار میدهد؛ منش حضرت به گونه‌ای است که هر مخاطبی را شیفته و دلدادۀ عظمت وجودی خود کرده و از این طریق افراد را به سوی سعادت سوق می دهد؛ زیرا محبت و دلدادگی به خوبان، انسان را در رسیدن به کمال مطلق و سرچشمه رستگاری یاری میرساند؛ چراکه انسان بدون محبت هیچگاه به مقصد دلخواه نخواهد رسید امام باقر علیهما السلام فرمود: هل الدین الا الحب؛ آیا دین غیر از محبت است؟ از اینرو، خداوند متعال مزد رسالت را فقط مودت و محبت نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها و اهلیت علیهما السلام قرار داده است: (قل لا اسئلكم علیه اجراً الا الموده فی القربى) زیرا بدون محبت همه زحمات پیامبر صلی الله علیه و اله در هدایت جامعه و اصلاح امت به هدر خواهد رفت.

محبت در سیره این ذوات نورانی، در همه مراتبش به در طول محبت خداوند قرار دارد؛ یعنی همه محبتهای آنها به عشق الهی ختم می شوند و بهمین دلیل، دوست داشتن اهلیت عصمت و طهارت علیهما السلام انسان را بسوی خدا سوق می دهد. امام صادق علیهما السلام فرمود: «اگر دوستیها و دشمنیها و بذل و بخشش کسی برای خدا باشد، او به بالاترین درجات ایمان رسیده و ایمانش کامل شده است». از این رهگذر، ابراز مهر و محبت، دلهای مشتاق را صید، آتش کینه ها و اختلافات را خاموش، افسردگیها را معالجه و سختترین شرایط زندگی را تحمل پذیر می سازد.

حضرت فاطمه سلام الله علیها افزون بر برخورداری از زمینهها و عوامل رشد و تربیت، در آغوش موفقترین مربی دنیای بشریت؛ حضرت خاتمالانبياء صلی الله علیه و اله پرورش یافته است. آن حضرت مهربانیهها و گذشتها و بردباری های مادر فداکار خویش را در سالهای نخستین و عمر خود شاهد بود و رفتارهای مهرآمیز پیامبر صلی الله علیه و اله را نیز نسبت به همسر و فرزندان به نظاره نشسته بود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله با بوسه زدن بر دستان حضرت فاطمه سلام الله علیها و ابراز محبت ویژه به او در پیش چشمان دیگران، بنیان مهر و وفا و روابط عاطفی و آئین مهرورزی را در منطقیهای که به غیر از خشونت و بربریت چیز دیگری حاکم نبود و زنده به گور نمودن دختران در آن سنتی دیرین بود، استوار ساخت و در این راستا خاندان رسالت را به عنوان الگویی الهی معرفی فرمود.

حضرت زهرا سلام الله عليها در اوج بیمهریهای انسانهای جاهل به دخترانشان، بیشترین محبت را از پدر بزرگوارش احساس کرد و هم آن را در زندگی به دیگران بخشید. آن حضرت را "حانیه" نامیدند؛ یعنی بانویی که با شوهر و فرزندان بسیار مهربان و دلسوز بود و "حبیبه" گفتند؛ یعنی دوستدار و محبوب رسول خدا ص بود و "ام اییها" لقب گرفت؛ چراکه برای پدر گرامیاش نه فقط یک دختر بلکه چون مادر بود. حضرت زهرا سلام الله عليها با دیگران نیز مهربان و با محبت بود؛ زیرا باور داشت که: بشر فی وجه المؤمن یوجب لصاحبه الجنة؛ خوشرویی مؤمن نتیجهش بهشت است.

شیوه های تربیتی حضرت زهرا سلام الله عليها

۱- شفقت و مهربانی

حضرت زهرا سلام الله عليها بهترین الگو برای دستورات کاربردی در تربیت دینی فرزندان می باشد هم چنان که ثمره زندگی ایشان و فرزندانیشان نیز به خوبی پیداست، روح انسان بگونه ای ساخته شده که نیاز به محبت و عطف، یکی از اساسی ترین نیازهای روحی او محسوب می شود، بدین جهت کودکان محروم از این نیاز فطری، دچار کمبودها و مشکلات روانی و گاه نواقص جسمی خواهند شد، حضرت زهرا سلام الله عليها که خود از سرچشمه محبت و عطف رسول خدا صلی الله علیه و الهه سیراب گشته و قلبش کانون محبت به همسر و فرزندان خود بود در این جهت نیز وظیفه مادری خود را به بهترین شکل انجام می داد.

حضرت زهرا سلام الله عليها مانند مادران دلسوز دیگر، نسبت به بچه هایش بسیار مهربان بود و با آنان با محبت معاشرت می کرد و خود مانند شمع می سوخت و به آنان روشنایی می داد تاریخ زندگی آن حضرت سلام الله عليها پر از خاطرات مخصوصاً با آن نور دیده هایش است.

۲- پرورش عبادی

حضرت فاطمه سلام الله عليها دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و الهه آن چنان در عبادت پیش رفت، که پاهایش متورم شد. از نظر کثرت بندگی و عبودیت جلودار همه بود، تا آنجا که عابدان را به تحیر واداشت.

لذا فرزندش امام حسن مجتبی می فرماید:

رایت امی فاطمه قامت فی محرابها لیل جمعتها فلم تزل راکعه ساجده حتی اتضح عمود الصبح...

مادر فاطمه سلام الله عليها در شب جمعه در محراب عبادت دیدم که به عبادت و نماز مشغول است او پیوسته به رکوعها توجه به اینکه بهترین روش تربیتی و پرورشی، شیوه عملی الگوها است، دختر گرامی پیامبر خدا صلی الله علیه و الهه از راه عبودیت و بندگی الهی، آن هم در برابر دیدگان معصوم فرزندانش، توانست آنان را به کمال مطلوب برساند.

به همین جهت دختر فاطمه سلام الله عليها جای خالی مادر را پر کرد و نماز شب را ترک نمودند، حتی به نقل از امام سجاد علیه السلام در آن ایامی که مصائب دردناک کربلا و عاشورای حسینی کمر اهل بیت علیهم السلام را خم کرد، باز هم آن مخدرات - ولو به صورت نشسته - نافله شبانه را تعطیل نموده و راه فاطمه سلام الله عليها را پیش گرفت، و پسرانش امام حسن و امام حسین علیهما السلام همان شیوه بندگی و عبادت مادر را الگوی خود قرار داده و شبانه روز معمولاً هزار رکعت نماز می گزاردند.

پس یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا سلام الله عليها بدان تأکید داشتند بعد پرستش و گرایش فرزندان به انجام تکلیف عبادی و الهی بود آن حضرت سلام الله عليها شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان دوران کودکی در جان فرزندان خود تقویت نموده و آنان را چنان تربیت کرده که بهترین کارها را عبادت خداوند دانستند از آن بالاترین لذت ها را می برند. همچنین ایشان بچه ها را از کوچکی به انجام عبادت فرا خواند نه تنها رنج و مشقتی نداشته باشند بلکه با شوق و اشتیاق به استقبال آن بروند. او سیره تربیت را به خوبی می دانست بگونه ای برخوردار می کرد که در حد توان و استعداد فرزندان باشد و سجد مشغول بود که شب به پایان رسید.

۳- ظرفیت سنجی

در روش تربیت حضرت فاطمه سلام الله عليها ظرفیت سنجی اصل دیگری بود که در تربیت کودکان به کار می گرفت. به این معنا هر چند زندگی حضرت فاطمه سلام الله عليها با ندای و کمبود مادی همراه بود، ساده زیستی و زهد چنین اقتضا کپی کرد گرسنگی و تشنگی را تحمل کند ولی حضرت سلام الله عليها چنین شرایطی را بر کودکان خود تحمیل نمی کردند، زیرا کودکان ظرفیت و آمادگی چنین شرایط سختی را ندارند و تحمیل آن موجب افسردگی روحی و ضعف جسمانی کودکان می گردد. از همین رو در گزارش تاریخی آمده است: « زمانی مسلمانان به علت کمبود آبریا، سخت در مضیقه بودند، حضرت فاطمه سلام الله عليها حسن و حسین علیهما السلام را نزد پیامبر صلی الله علیه و اله آورد و عرض کرد: ای رسول خدا! فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی در توان آنها نیست. پیامبر صلی الله علیه و اله که نگرانی دخترش را دید، زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین قرار داد و با تر کردن دهان آنها، حضرت زهرا را از نگرانی بیرون آورد.»

۴. نظارت بر رفت و آمد

اصل تربیتی دیگری که حضرت فاطمه سلام الله عليها به کار می گرفت نظارت بر حضور، غیاب، رفت و آمد آنان به خانه و مراقبت از رفتار کودکان بود؛ زیرا اگر کودکان مراقبت و به حال خود وا گذاشته شوند آثار زیان باری به دنبال خواهد داشت. از همین رو نظارت حضرت فاطمه آن چنان جدی بوده که در گزارش تاریخی آمده است:

«روزی پیامبر صلی الله علیه و اله به خانه حضرت فاطمه سلام الله عليها آمد ولی مشاهده کرد که حضرت فاطمه سلام الله عليها پشت در ناراحت و مضطرب ایستاده است. به حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمود: چرا اینجا ایستاده ای؟ حضرت فاطمه

سلام الله عليها با آهنگی مضطرب، عرض کرد: فرزندانم صبح بیرون رفته اند و تا کنون از آنها هیچ خبری ندارم. پیامبر صلی الله علیه و اله به دنبال آنها روانه شد. چون نزدیک غار جبل رسید، آنها را دید که در

کمال سلامت و آرامش مشغول بازی هستند. آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه حضرت فاطمه سلام الله عليها روانه شد.

۵- بازی و تحرک:

علی رغم اینکه ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی فرهنگ و دور از تمدن بود اما برنامه و شیوه های ارائه شده از طرف اولیاء دین، همیشه با انسان های هر تمدن و فرهنگی سازگار است، از جمله مواردی که در شیوه تربیت حضرت زهرا سلام الله عليها جایگاه خاصی داشت تحرک و بازی کودکان بود این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک ضروری است که حتی برای تشویق آنها به تحرک و بازی، بزرگ ترها نیز باید تن به بازی و جست و خیز بدهند، هم بازی شدن رسول معظم اسلام صلی الله علیه و اله با فرزندان دخترش حضرت زهرا سلام الله عليها بیانگر این نکته مهم است که بازی و تحرک کودک، یکی از لوازم تربیت صحیح محسوب می شود.

۶- ارج نهادن به شخصیت کودک:

شخصیت هر کس به اندازه اثر وجودی آن فرد است، هر قدر که تاثیر وجودی انسان در جامعه، تاریخ و نسل ما بیشتر باشد، به همان نسبت، ارزش و افتخار بیشتری نصیب وی می شود بعضی افراد دارای شخصیت مثبت هستند: یعنی از توانایی های بالفعل و بالقوه خود در جهت مصالح جامعه و افراد نزدیک به خود استفاده می کنند و برخی دیگر دارای شخصیت منفی هستند یعنی نیروی استعداد آنها مانند سهم مهلکی است که به پیکره اجتماع وارد می شود، نباید فراموش کرد که شکل اصلی و اولی این دو نوع شخصیت و منش، از همان دوران کودکی ساخته می شود، از طرف دیگر آثار وجودی هر شخص از نقطه ای شروع می شود که به طور صد در صد تحت تاثیر اطرافیان و به خصوص پدر و مادر قرار داشته است، در تعالیم دینی آمده است که آن چه کودک در طفولیت می آموزد، تا پایان عمر او را همراهی می کند.

۷- عدالت پروری

پدر و یا مادر نباید در میان فرزندان، بدون جهت فرق بگذارند و از این طریق حسادت و کینه توزی را در میان آنان ایجاد نمایند.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «اعدلوا بین اولادکم كما تحبون ان يعدلوا بینکم فی البرِّ واللطف».

در میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همانگونه که دوست دارید دیگران در مورد شما به عدالت و محبت رفتار کنند.

حضرت فاطمه سلام الله عليها در پرورش فرزندان عزیز خود طوری رفتار میکرد که همه را از عدالتپروری خویش خشنود میساخت و با عواطف محبتآمیز مادری تکتک آنان را به این صفت انسانی و اسلامی تشویق میکرد.

روزی دو فرزند دلبنده فاطمه صلوات الله عليها (حسن و حسین علیهما السلام) در حضور پیامبر خدا کشتی گرفتند، در این میان فاطمه سلام الله عليها شنید که پدر بزرگوارش، امام حسن علیه السلام را به پیروزی بر امام حسین علیه السلام ترغیب میکند حضرت زهرا سلام الله عليها براساس روح دادگری عرض کرد: پدرجان! فرزند بزرگ را علیه فرزند کوچک تحریک میکنی؟ رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله فرمودند: تو اطلاع نداری که برادرم جبرئیل، حسینم را بر حسنم تحریک مینماید.

اگرچه رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر تحریک جبرئیل (امام حسین را علیه امام حسن (وی نیز) امام حسن را علیه امام حسین (تحریک می کرد، ولی در ظاهر، حضرت زهرا سلام الله عليها از آن اطلاع نداشت و لذا به صورت سوالی خواستهایش را مطرح ساخت و روح دادگری اش را در مورد فرزندان نشان داد.

در یک قضیه دیگر آمده است: روزی امام حسن با امام حسین علیهما السلام در کنار یکدیگر مشغول نوشتن خط بودند و هر یک بر دیگری میگفت: خط من بهتر از خط تو است و سرانجام داوری را به مادرشان موكول کردند، ولی آن حضرت برای اینکه دل هیچ کدام را نشکند، از داوری خودداری کرد و موضوع را به امیرالمؤمنین علیه السلام موكول نمود امیرالمؤمنین علیه السلام این قضیه را به پیامبر خدا و آن حضرت نیز به جبرئیل و به ترتیب، کار داوری به اسرافیل و خدای عالمیان کشیده شد.

جبرئیل از جانب خدا ابلاغ کرد، که فاطمه سلام الله عليها باید بین آن دو داوری کند.

آن مادر مهربان و دادگر فرمود: ای فرزندان عزیزم! من دانه های این گردنبند را در میان شما به زمین میریزم، هر کس بیشتر آنها را بردارد خط او بهتر است. بلافاصله گردنبند را از گردنش باز کرد و دانه های آن را در برابر دو نور دیده اش به زمین ریخت و جبرئیل به امر الهی این منظره زیبا را تماشا میکرد، چون آن نور چشمان زهرا، هر کدام به طور مساوی دانه ها را برداشت، جبرئیل به امر خدا آن یک دانه باقیمانده را دو تقسیم کرد و هر کدام یک نصفه را برداشت و دل هیچکدام شکسته نشد.

این دو قضیه که نمونه صدها جریان دادگری حضرت فاطمه سلام الله عليها با فرزندان می باشد، میرساند که آن حضرت طوری عمل کرد، که نور دیدگانش ضمن کمال یابی و کمالجویی، نسبت به همدیگر خیلی مهربان و دلسوز باشند، و در برخورد و رفتار خانوادگی احترام یکدیگر را حفظ کنند.

به همین جهت بود که امام حسین علیه السلام احترام خاصی به امام حسن علیه السلام داشت و در حضور او صحبت نمیکرد. (ما تکلم الحسین بین یدی الحسن اعظماً له...) و به خواهرش زینب سلام الله علیها فوق العاده علاقه مند بود و به احترام او - با اینکه کوچکتر از او بود- از جایش بلند می شد. و همچنین محبت و احترام متقابل زینب به برادرانش...

۸- نوع دوستی

از جمله روش های تربیتی حضرت زهرا سلام الله علیها نوع دوستی او بوده است، که در برابر چشمان تیزبین فرزندان، به مردم کمک میکرد و خود گرسنه میماند، ولی دیگران را سیر مینمود.

فاطمه سلام الله علیها گردنبندش را به فقرا ایثار کرد و آنان را مورد نوازش قرارداد و از پول آن پارچه ها خریداری شد و برای بی لباسها لباس مناسب تهیه گردید... و پرتوهای خانهاش در اختیار پیامبر خدا صلی الله علیه و اله قرار گرفت و از آن عریان ها پوشانده شد و حدیث « فاطمه بضعه منی » در حق آن حضرت صادر گشت.

آن حضرت نه تنها در مسائل اقتصادی و رفع مشکلات روزمره مردم پیشگام بود، حتی از نظر اخلاقی و عواطف انسانی و ارشاد و هدایت مردم نیز به کمک آنان میشتافت و مصالح مردم را پیگیری میکرد و در حقشان دعا میفرمود و از این طریق فرزندان خویش را به چنین عواطف اسلامی و انسانساز پرورش میداد.

حضرت امام حسن علیها السلام میفرمایند: شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت پرداخت و مرتباً مؤمنین و دیگران را دعا میکرد ولی در حق خود ساکت بود. از علت آن پرسیدم، فرمود: اول همسایه‌ها دیگران، سپس خودمان. شبیه این حدیث از امام موسی بن جعفر علیها السلام صادر گردیده و نشان می دهد که آن حضرت تا چه حدی ث روز اجتماعی و نوع دوستی داشته است و دیگران را بر خود و خودیها مقدم میداشت.

و در یک قضیه تاریخی دیگر آمده است، که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها همچون امیرالمؤمنین علی علیها السلام برای بهبود حسن و حسین علیهما السلام از مریضی، سه روز روزه نذر کرده بود و هنگام انجام دادن آن، مجبور شد برای یک نفر یهودی به نام « شمعون » در خانه خودش کار استیجاری نموده و از اجرت آن نان جو تهیه نماید ...

چنانچه در تفسیر سوره هل اتی (دهر) آمده است حضرت فاطمه سلام الله علیها و حضرت علی علیه السلام و دیگر خانواده او سه روز روزه گرفتند و هر شب موقع افطار غذای خویش را به ترتیب به: مسکین، یتیم، کافر و اسیر دادند و همین سوره در مناقب آن حضرت و سایر اهلیت علیهما السلام نازل گشت ...

اگر امام حسن علیه السلام سه بار اموالش را با فقرا تقسیم نموده و دو بار خلع ید کرده است. در دامان پرمهر و انسانساز حضرت فاطمه سلام الله علیها پرورش یافته ... (خرج من ماله مرتین و قاسم الله ثلاث مرآت ماله) و همچنین فرزندان دیگرش که جای بحث آن نیست.

۹- استفاده از جاذبه شعر در تربیت کودک

می کند. این بانوی بزرگوار از کوچک ترین ظرفیت های تربیتی در این راستا بهره می برد حتی آن گاه که برای کودکش لالایی می خواند یا با آنها بازی می کرد، در قالب شعر به تربیت روحی و پرورش آنها می حضرت زهرا سلام الله علیها نه تنها با زندگی مومنانه و عبادت های خالصانه و دعاهای کریمانه در منظر کودکان خردسال خود آموزه های دینی را به آنها می آموخت لکه با رفتار و منش سنجیده و مهرورزانه با همسر و پدرش در حریم خانه بهترین شیوه تربیتی را نسبت به کودکان به کار می برد و ارزش های دینی و اخلاقی را در عمل معرفی پرداخت؛ به عنوان نمونه، به حسن علیه السلام چنین خطاب می فرمود:

«اشبه اباک یا حسن واخلع عن الحق الرسن و اعد لها ذا منن و لا توال ذا الاحن»

یعنی حسن جان! مانند پدرت باش و ریسمان را از گردن حق بردار. خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی مکن.

و آن گاه که حسین علیه السلام را نوازش می کرد، چنین می فرمود:

«انت شبیه بابی لست شبیها بعلی»

یعنی (حسین جان) تو به پدرم شباهت داری و به پدرت علی علیه السلام شبیه نیستی. علی علیه السلام نیز سخنان فاطمه سلام الله علیها را می شنید و لبخند می زد

۱۰- صدقه دادن برای فرزند

از دیگر نکاتی که می توان از سبک زندگی حضرت زهرا(س) در خصوص تربیت فرزند به آن اشاره کرد، دادن صدقه برای فرزند است. در روایت از امام صادق(ع) آمده است: «أن فاطمة(س) حلقت حسنا و حسینا یوم سابعهما و وزنت شعرهما فتصدقت بوزنه فضة؛ فاطمه(س) در روز هفتم ولادت، موهای سر حسن و حسین(ع) را تراشید و وزن کرد و به همان وزن، نقره صدقه داد». این روایت اشاره به صدقه روز هفتم دارد که از مستحبات مؤکد در مورد فرزند است.

در خصوص صدقه در روایات فراوان آمده است که صدقه باعث دفع بلا، بیماری و ناراحتی می شود:

«الصدقة تستدفع البلاء و النعمة؛ صدقه بلا و عذاب را دفع کند». «حصنوا انفسکم بالصدقة؛ جان های خود را با صدقه حفظ کنید». از این رو دادن صدقه باعث حفظ و ایمنی برای افراد می شود. حضرت زهرا(س) نیز به عنوان مادری نگران سلامت جسم و روح فرزندان خود، با دادن صدقه این حفاظ الهی را برای فرزندان خود قرار می دهد، زیرا داشتن آرامش خاطر و امنیت تأثیر مستقیمی بر سلامت روحی افراد دارد، البته صدقه و انفاق های حضرت زهرا(س) بسیار بوده است، مانند بخشیدن گردنبند. صرف نظر از افطاری خود و انفاق به یتیم و اسیر و مسکین و موارد بسیاری که در زندگی ایشان قابل مشاهده است. این بخشش و گذشت های آن حضرت، به اندازه ای قابل توجه و درخور ستایش است که خداوند آیاتی را به آن اختصاص داده است، اما آنچه در اینجا مورد نظر است، صدقه

حضرت زهرا(س) برای فرزندان است. این کار علاوه بر موارد ذکر شده باعث افزایش محبت بین فرزند و مادری شود و همین امر از نظر روحی باعث آرامش بیشتر برای خانواده خواهد بود.

۱۱- تغذیه کودکان

رابطه نزدیک و به هم پیوسته روح و جسم ایجاب می کند که برای سلامت و سعادت کودکان به نیازهای جسمی و روحی به صورت همزمان و متناسب پاسخ داده شود. در واقع نمی توان با قاطعیت گفت که کدامیک از این نیازها بر دیگری برتری دارد، زیرا زمانی که مادر با مهربانی تمام به کودک خود غذا می دهد، در ظاهر به نیاز جسمی و مادی کودک پاسخ می دهد، ولی روح او نیز در کنار جسم، از محبت مادر سیراب می شود. یکی از مهمترین امور مادی فرزندان، رسیدگی به تغذیه آن هاست. تغذیه از بدو تولد کودک مورد توجه و اهمیت است، از این رو خداوند کامل ترین غذا را برای کودکان در شیر مادر قرار داده است. حضرت زهرا (س) نیز مادرانه فرزندان خود را از این نعمت الهی بهرمنده می کردند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى فَاطِمَةَ وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ ثَلَّةِ اللَّيْلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ يَدَيْهَا وَ تُرَضُّ وَكِلْدَهَا؛ پیغمبر وارد خانه فاطمه (س) شد، ایشان جامه ای از موی شتر به تن داشت و جو آسیاب می کرد و بچه را نیز شیر می داد.»^۲ این روایت تصویری از زندگی حضرت زهرا (س) را نشان می دهد که علاوه بر کار خانه، از مهمترین مسؤلیت مادری که شیردادن فرزند است غفلت نمی کردند. شاید اگر این صفحات زرین تاریخ برای مادران بازگو شود، عزم آن ها را برای انجام مسؤلیت خود در برابر فرزندان، بیشتر کند و با انگیزه بیشتر و با نگاهی محترمانه تر به آن بنگرند. حضرت زهرا (س) با عشق مادرانه، به غذا و خوراک فرزندان خود توجه داشتند. آسیاب کردن گندم و جو برای تهیه غذا نشان از این دارد که ایشان شخصا برای خانواده و فرزندان خود توجه داشتند. آسیاب کردن گندم و جو برای تهیه غذا و تهیه غذای کودکان از سوی مادر نتایج مفیدی به دنبال دارد. اولین و مهمترین نکته این است که مادر با درایت، متناسب با نیاز فرزند به تهیه غذا می پردازد و از طرفی از مواد اولیه سالم و مورد اطمینان استفاده می کند، بنابراین سلامت بیشتری برای فرزندان حاصل می شود. نکته دیگر اینکه انرژی مثبتی که مادر هنگام طبخ، به غذا منتقل می کند، به فرزند و سایر اعضای خانواده منتقل میشود و همین امر سرزندگی و شادابی بیشتری را به آن ها می دهد.

شاید برخی با مطالعه این روایات تصور کنند که حضرت زهرا(س) با داشتن جایگاهی معنوی خاص، اگر به عبادت می پرداختند مناسب تر بود، ولی رفتار ایشان نشان از اهمیت توجه مادر به کودک دارد و تذکر و توجهی برای بانوان است که به هر دلیل از انجام این کار سرباز می زنند. زندگی سرور زنان عالم به ما می آموزد که برای تربیت فرزند و رسیدگی به او، هیچ چیز نمی تواند مانع باشد حتی واجبات. می توان بین واجبات و تربیت فرزند جمع کرده و هر دو را انجام داد؛ یعنی هیچیک نباید فدای دیگری شود، زیرا هر دو از وظایف مهم مادر است. از این نکته نیز نباید غافل شد که هیچ کاری مانع رسیدگی به فرزند نیست و خداوندی که تربیت فرزند را وظیفه مادر قرار داده، سایر واجبات را هم وضع کرده و بدون تردید این دو را به گونه ای طراحی کرده است که باهم در تعارض نباشند. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَأَنَّ تَمَضُّغَ لِلْحَسَنِ ثُمَّ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ هِيَ صَائِمَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فاطمه(س) غذا می جوید برای حسن(ع)، سپس برای

حسین(ع)؛ در حالی که در ماه رمضان روزه بود^۱. این روایت نیز اشاره به این دارد که ایشان در حال عبادت و روزه داری نیز از توجه به فرزندان غافل نمی شدند و در حین عبادت، به وظیفه مادری خود و برآورده کردن نیازهای آنان می پرداختند. حال مادرانی که با کوچکترین بهانه خود را از وظایف مادری معاف می کنند، باید بازنگری در رفتار خود داشته باشند و به دنبال راهی باشند که هم به وظیفه مادری خود عمل کنند و هم سایر برنامه های خود را اجرا نمایند.

۱۲-عقیقه برای فرزند

انسان به دلیل محدود بودن به ماده و عدم آگاهی از مسایل ماورای ماده در جهان، دچار ناراحتی ها و گرفتاری هایی می شود که گاه زندگی را برای او ناگوار، خسته کننده و حتی آزاردهنده می کند. راه جلوگیری از این وضعیت، کسب اطلاعات بیشتر است و البته مهمتر از آن دل سپردن به دستورات خداوند در مسیر بندگی و زندگی است. عمل به واجبات و در کنار آن توجه به مستحبات نیز بسیار کارساز خواهد بود. از جمله این مستحبات، عقیقه برای فرزند تازه مولود است. حضرت زهرا(س) با توجه به آثار روحی و معنوی عقیقه، خود را مقید به انجام آن می دانستند و فرزندان خود را از فواید روحانی و الهی آن بهرمنند می ساختند. در روایاتی که از زندگی حضرت زهرا(س) نقل شده، آمده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ(س) عَقَّتْ عَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ(ع)؛ فاطمه(س) برای حسن و حسین(ع) عقیقه کردند»^۱. توجه ویژه حضرت زهرا(س) به این مهم و اهمیت آن در زندگی و روح و جان کودکان، زمانی بیشتر آشکار می شود که بدانیم با وجود آنکه پیامبر اکرم(ص) برای امام حسن و امام حسین(ع) عقیقه قرار داده بودند، ولی حضرت زهرا(س) خود نیز به این کار مبادرت ورزیدند. در این خصوص از امام صادق(ع) آمده است: «عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ(ص) عَنِ الْحَسَنِ بِيَدِهِ؛ پیامبر برای امام حسن(ع) با دست خودش عقیقه کرد»^۲. شاهد این مدعا آن است که شیخ حر عاملی در وسایل الشیعه با استناد به این موارد، جواز تعدد عقیقه بر یک کودک را استنباط کرده است.

از این رو مناسب است والدین نیز از زندگانی حضرت زهرا(س) الگو گرفته و برای سلامت جسم و روح فرزندان که ارزش و اهمیت فراوانی دارد سرمایه گذاری کرده و سرآغاز زندگی آن ها را تقرب به خداوند قرار دهند. شاید ظاهر امر، غیر ضروری نماید؛ ولی با توجه به تأکید روایات، استفاده می شود که در فرهنگ اسلامی عقیقه از اهمیت بالایی برخوردار است و به تبع، آثار نیک فراوانی را به دنبال دارد. در روایتی از امام صادق(ع) درباره اهمیت عقیقه آمده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيقَةِ؛ هر مولودی در گرو عقیقه خود می باشد»^۳. با توجه به این روایت می توان گفت سلامتی جسم و روح نوزاد در گرو این قربانی است. لازم به ذکر است که در این موضوع تا آن جا که از روایات برمی آید، قربانی مختص نوزاد نیست؛ یعنی اگر کسی در کودکی برایش عقیقه نکرده باشند، همچنان سلامتی اش در گرو قربانی است. گاهی اوقات ناراحتی ها و بیماری هایی به سراغ انسان می آید که بسیار پی در پی و آزاردهنده است و به صورت منطقی قابل قبول به نظر نمی رسد، شاید یکی از دلایل آن ندادن عقیقه در کودکی است. در روایت آمده است که فردی از امام صادق(ع) می پرسد:

«أَنِّي وَاللَّهِ مَا أُدْرِى كَانِ أَبِي عَقَّ عَنِّي أَمْ لَأَقَالَ فَأَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ(ع) فَعَقَّتُ عَنْ نَفْسِي وَأَنَا شَيْخٌ؛

نمی دانم پدرم بر ایام عقیقه کرده است یا نه. امام فرمودند: برای خود عقیقه کن. من نیز چنین کردم، در حالی که کهنسال بودم»^۱. در واقع تأکید امام بر انجام عقیقه در کهنسالی نشان از اهمیت آن دارد. گویا این امر بر دوش انسان باقی است و تا انجام نشود سنگینی آن برداشته نمی شود. در دعاهایی که برای عقیقه ذکر شده نکاتی وجود دارد که اهمیت آن را در مورد مسایل غیر مادی بیشتر روشن می کند: «اللَّهُمَّ عَقِيْقَةً عَنْ فُلَانٍ لِحَمَاهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمَهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمَهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ

وَقَاءً لِأَلِ مُحَمَّدٍ (ص)؛ خدایا عقیقه است از فلان گوشتش در برابر گوشت او، خونسش در برابر خون او، استخوانش در برابر استخوان او. خدایا قرار بده این قربانی را مایه حفظ آل محمد (ص)؛ «إِذَا ذَبَحْتَ فَقُلْ... الشُّكْرَ لِرِزْقِ وَ الْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا؛ هنگامی که ذبح می کنی بگو خدایا این قربانی را به شکرانه نعمتی که به ما روزی کردی و به علت شناختی که از فضل تو بر خانواده خود دارم ذبح می کنم» و

«لَكَ سُنْفِكَ الدَّمَاءُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ احْسِبْ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ؛ خدایا برای تو خون ها ریخته می شود که شریکی نداری و حمد مخصوص پروردگار عالمیان است خدایا شیطان رانده شده را خوار فرما»^۲. مواردی که در این دعاها ذکر شد عبارت است از این که این قربانی فدیة ای است برای فرزند در قبال سلامتی او و دیگر اینکه این قربانی از جانب فرزند است و به نیت او ذبح می شود و نیت آن نزدیکی و توجه به خداوند است. نکته دیگر اینکه در دعا بر عقیقه از خدا خواسته می شود که شیطان را خوار سازد. در واقع عقیقه به نیت سلامت جسم و روح کودک و تقرب کودک به خداوند و دوری شیطان از او صورت می گیرد که این امر از ابتدا در روح کودک اثرگذار بوده و سرمایه سلامتی جسم و روح او خواهد بود.

۱۳- حس زیبا شناسی

یکی از موارد پرورش عواطف و احساسات، رشد و پرورش حس زیباشناسی در کودکان است. زیبادوستی و زیباخواهی، یکی از ویژگی هایی است که به انسان اختصاص دارد. زیبایی هایی که انسان مشاهده می کند حس زیباشناسی او را

اشباع می کند. پرورش این حس باعث می شود که روح کودکان نسبت به دنیا و موجودات پیرامون خود حساس بوده و با نوعی دقت نظر به اطراف خود بنگرند و در پی آن نسبت به زشتی ها منفعل بوده و خود نیز از آن ها دوری کرده به دنبال تغییر باشند. در نتیجه از زیبایی های محسوس به سمت زیبایی های معنوی و الهی حرکت کنند^۴. از روش هایی که می توان با آن حس زیباشناسی را تقویت کرد، دوری از زشتی ها و پلیدی ها است.

در واقع بدون دوری از زشتی ها و پلیدی ها نمی توان به زیبایی رسید. سر آغاز این امر از خانه و خانواده شروع می شود. به این معنا که مادر در خانه به نظافت و تمیزی اهمیت داده و آن را برای کودکانه ارزش جلوه دهد. در این حالت فرزندان نیز در مقابل خود زیبایی را مشاهده می کنند و با آن خومی گیرند و از پلیدی منجر می شوند. حضرت زهرا (س) در زندگی و خانه خود به این امور توجه داشتند و خود به انجام آن ها می پرداختند. حضرت علی (ع) در این زمینه درباره حضرت فاطمه (س) می فرماید: «كَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّىٰ اغْبَرَّتْ ثِيَابَهَا؛ به قدری خانه را جارو می کرد که گرد و خاک، لباس هایش را

غبارآلود می نمود». اقدام دیگری که در این زمینه در زندگی حضرت زهرا(س) مشاهده می شود، توجه به زینت فرزندان است که به نوعی آن ها را به سمت زیبایی هدایت می کند: «أن فاطمة حلت الحسن و الحسين؛ فاطمه (س) حسن و حسین (ع) را می آراست.» این کار نیز علاوه بر نشاط روحی که برای فرزندان به دنبال دارد، حس زیباشناسی آن ها را نیز تقویت می کرد.

نتیجه گیری

در این نوشتار با موضوع شیوه های تربیت کودک در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها به این مهم دست پیدا می کنیم که برای فراهم کردن مسیر کمال و سعادت در زندگی فرزندان ما نیازمند الگوهای معنوی مثل اهل بیت «س» هستیم، تا ضمن بهره بردن از سیره و روش آنها در زندگی و به نسل های بعد خویش نیز بیاموزیم و بهترین ها را برایشان رقم بزنیم و از کشانده شدن آنها به گناه فساد جلوگیری نموده و ضمن حفظ خانواده، جامعه را نیز ایمن نگه داریم.

پیشنهادات

- ۱- اهل بیت سلام الله علیه تلالو نور و چراغ راه انسان ها هستند و حجت های الهی بر ما هستند بی تردید پژوهش در ابعاد مختلف این اسوه های اخلاق میتواند جامعه ی ما را از بسیاری از آفات و آسیب ها فرهنگی و اجتماعی واکسینه کند.
- ۲- حضرت زهرا سلام الله علیه که حضرت ختم المرسلین به وجودشان افتخار میکردند میتواند ظرفیت بسیار عظیمی جهت اصلاح تربیت کودکان و رشد ابعاد مختلف شخصیت کودک باشد.
- ۳- آموزش و پرورش، دانشگاهها، مراکز علمی و موسسات فرهنگی، تربیتی باید نسبت به استخراج شیوه های تربیتی ایده ال از سیره ی رفتاری حضرت زهرا (س) فعال شود و موضوعات پژوهشی از این دست را در اولویت رسالت های خویش قرار دهد.

منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. داوودی محمود، سیره تربیتی پیامبر جلد دوم تربیت دینی، انتشارات حوزه و دانشگاه، سال ۱۳۸۹، چاپ قم.
۲. جوادی آملی عبدالله، مفاتیح الحیاه، انتشارات مرکز نشر اسراء، چاپخانه مرکز نشر اسراء، چاپ ۱۳۹۱.

۳. جمعی از محققان مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، انتشارات مرکز تحقیقات رایانه ای، چاپ سید علی علوی.
۴. انصاری عزرا، جلوه های رفتاری حضرت زهرا، انتشار موسسه بوستان کتاب، دفتر تبلیغات قم، نوبت چاپ دوازدهم، سال ۱۳۹۹.
۵. ابراهیمی علی، اصول فرزندداری، انتشارات تهذیب، چاپ دهم، سال ۱۳۹۲.
۶. رشاد علی اکبر، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، نشر تهران سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۷. قادری سید محمد تقی، من فاطمه هستم، نشر قم، نصابیح، سال ۱۳۹۲.
۸. بابا زاده علی اکبر، تحلیل سیره فاطمه زهرا، ناشر انتشارات دانش و ادب، چاپ هفتم ۱۳۸۲ چاپ اعتماد.
۹. جوادی آملی عبدالله، فاطمه اسوه بشر، نشر قم مرکز نشر اسراء سال ۱۳۹۳.
۱۰. موسوی سیده زهرا، مقاله سیره حضرت علیها السلام در تربیت فرزند، گنجینه معارف.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



کارگاه آموزشی
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



کارگاه آموزشی
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



کارگاه آموزشی
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران